

سلسلهٔ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۲۰)

خداوند به هر کس إرادة خیر داشته باشد او را در دین آگاهی می‌دهد.

الدروس المهمة لعامة الأمة

درسهای مهم برای عموم امت اسلامی

تألیف:

علامتہ عبد العزیز بن عبد اللہ بن باز رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ:

إسحاق بن عبد اللہ دبیری العوضی

۱۴۲۶ / ۱۳۸۴ھ۔



الدروس المهمة لعامة الأمة - درسهای مهم برای عموم امت

نام کتاب: درسهای مهم برای عموم امت اسلام
تألیف: علامه بزرگ شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز.
ترجمه: اسحاق بن عبدالله دبیری.
ناشر: مترجم
شمارگان: ۱۰،۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول - ۱۴۲۳ هـ. ق .
چاپ: چاپخانه طیبه - عربستان سعودی - ریاض
حقوق الطبع محفوظة
حق چاپ محفوظ است

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)

www.aqeedeh.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

«الحمد لله رب العالمين، والعاقبه المتقين، وصلي الله علي عبده ورسوله نبينا محمد وعلي آله واصحابه أجمعين»
اما بعد، اين جملات و عبارتهاي مختصر را كه شامل بيان واجبات دين اسلام براي عامه مردم است تحت عنوان (الدروس المهمة لعامة الامه).

«درسهای مهم برای عموم امت اسلامي» را تقديم می كنم به تمام تشنگان حقيقت. از خداوند متعال ميخواهم كه آن را براي مسلمانان سودمند قرار داده و به لطف و كرم خویش پذيرد زیرا كه وي بسيار بخشنده و بزرگوار است.

عبدالعزير بن عبدالله

درس اول :

آموزش سوره « فاتحه » و سوره های کوچک و کوتاه از سوره ی « زلزله » تا آخر سوره « ناس » با روش تلقین و تلاوت صحیح آنها، و حفظ و از بر کردن آنها به همراه شرح و تفسیر آنچه که درک و فهم آن واجب است.

درس دوم :

اسلام داراي پنج ركن میباشد، اولین و باعظمت ترین آن گواهي دادن به این است که هیچ معبود به حقی جز خداوند یکتا وجود ندارد، و اینکه محمد ﷺ فرستاده و پیامبر خداست، با شرح معانی آن و بیان شروط « لا اله الا الله »، معنای (لا اله) آن است که: هیچ معبودی بحق نیست، که این جمله تمامی آنچه را که به جای خداوند و به غیر از او پرستش شده و مورد عبادت قرار می گیرد بطور کلی و قطعی نفی و طرد می کند. (إلا الله): برای اثبات این حقیقت است که عبادت با تمام معانی و مفاهیمش تنها و تنها ویژه خداوند یکتا است، بدون آنکه شریکی داشته باشد.

شروط « لا اله الا الله » عبارتند از:

۱ - داشتن علم و دانش در فهم این جمله که خودش کاملاً مقابل جهل است.

- ۲ - داشتن یقینی که با شک مخالف می باشد.
 - ۳ - داشتن اخلاصی که مخالف با شرک است.
 - ۴ - داشتن صداقت و راستی که با دروغ مخالفت دارد.
 - ۵ - دوستی و محبتی که با هر گونه دشمنی مخالفت دارد.
 - ۶ - تسلیم شدن محض در برابر آن بدون هر گونه مخالفت و اعتراض.
 - ۷ - پذیرفتن و قبولی که مخالف هر گونه انکار و رد کردن است.
 - ۸ - کفر ورزیدن و انکار و بیزاری از هر آنچه که به غیر از الله مورد عبادت و پرستش قرار می گیرد.
- تمامی این موارد هشتگانه در دو بیت شعر زیر چنین آمده است:

«علم یقین وإخلاص وصدقك مع
 محبة وانقياد والقبول لها
 وزيد ثامنها الكفران منك بما
 سوي الإله من الأشياء قد أُلها»

با توجه به مفاهیم این شهادت که: محمد ﷺ فرستاده خداوند است مواردی همانند آنچه در پاراگرافهای بعدی می آید لازم الاجرا می باشد.

- ۱ - تصدیق و باور کردن هر آنچه که از آن خبر داده است.
 - ۲ - اطاعت و فرمانبرداری از اوامر او.
 - ۳ - اجتناب و پرهیز از هر آنچه که نهی کرده و بر حذر داشته است.
 - ۴ - اینکه پرستش و عبادت خداوند تنها به روش و شیوه ای باشد که خودش فرموده و پیامبرش ﷺ بیان داشته است.
- به دنبال آن سایر ارکان پنجگانه اسلام را شرح می دهد که عبارتند از: نماز، زکات، روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان، زیارت، و حج خانه خدا برای کسیکه توانایی مالی و جسمی آن را داشته باشد.
- درس سوم: ارکان ایمان است که شامل شش (۶) رکن می شود:
- ۱ - ایمان آوردن به خداوند یکتا.
 - ۲ - ایمان آوردن به فرشتگان خداوند.
 - ۳ - ایمان آوردن به کتابهای آسمانی که خداوند برای بشریت فرستاده است.
 - ۴ - ایمان آوردن به تمامی پیامبران خدا (که برای هدایت و راهنمایی بشریت از جانب خداوند مهربان فرستاده شده اند).
 - ۵ - ایمان آوردن به روز قیامت (روز رستاخیز).

۶ - ایمان آوردن به قضا و قدر (تقدیر و سرنوشت) و خیر و شر آن، بدان معنا که هر آنچه پیش می‌آید از جانب خداوند متعال است.

درس چهارم:

توحید به سه نوع تقسیم می‌شود که عبارت است از:
اول : توحید ربوبیت: ایمان آوردن به الله که خالق و آفریننده همه موجودات است و تنها او مدبر و متصرف در همه چیز و هر کاری است، حال آنکه هیچ شریکی برای او وجود ندارد.

دوم : توحید الوهیت: ایمان آوردن به الله بدین معنا که وی تنها معبود بر حق است و هیچ شریکی ندارد، و این همان مفهوم و معنای (لا إله إلا الله) است، یعنی هیچ معبودی بر حق غیر از خداوند یکتا نیست و وجود ندارد، و دیگر اینکه اخلاص داشتن در تمام عبادتها مانند: نماز، روزه، و... برای خداوند یکتا واجب است و نباید هیچ نوع از انواع عبادت را برای غیر خدا انجام داد؛ زیرا این عمل نادرست و جایز نمی‌باشد.

سوم: توحید در اسماء و صفات خداوند یکتا: این بدان معناست که باید به هر آنچه که در ارتباط با اسماء و صفات

الله در قرآن کریم و احادیث صحیح آمده است، ایمان آورد، و آنها را برای او چنان اثبات کنیم که توصیفش لایق به ذات وی - عزوجل - باشد بدون آنکه در این توصیف و اثبات، تحریفی، یا تعطیلی، یا بیان چگونگی، و یا تشبیهی راه یابد. همانگونه که خداوند سبحان در سوره اخلاص می فرماید:

«قل هو الله احد الله...».

«ای پیامبر به مردم) بگو: او همان الله است که یکتا و بی همتا و همانند است، الله از همه موجودات بی نیاز می باشد بگونه ای که تمامی موجودات هستی به او نیازمند هستند، او فرزندی نزائیده، و خودش هم زائیده نشده است (منحصر فرد و یکتا می باشد) و هیچ کس و هیچ چیز همتا و همانند او نیست».

در آیه ی ۱۱، سوره شوری خداوند خود را این چنین معرفی می کند:

«ليس كمثله شيء وهو السميع البصير».

«هیچ چیزی همانند خداوند یکتا نیست، حال آنکه - به کردار، رفتار و نیت، بندگان - بسیار شنوا و بینا است».

گروهی از دانشمندان و علماء، توحید را به دو دسته تقسیم کرده اند. بدینصورت که توحید در اسماء و صفات را

در توحید ربوبیت ادغام کرده و هر دو را یکی دانسته اند. این امر مشکلی را پدید نمی‌آورد زیرا هر قسم کاملاً واضح و روشن می‌باشد.

انواع شرک:

۱ - شرک اکبر.

۲ - شرک اصغر.

۳ - شرک مخفی و پنهانی.

شرک اکبر: شرک اکبر تمام اعمال و کردار نیک انسان را نابود کرده و وی را بصورت جاودان در دوزخ ماندگار می‌سازد. خداوند حکیم در آیه ۸۸ سوره انعام چنین می‌فرماید: «و لو اشرکوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون». «اگر (آنان) به خداوند یکتا شرک بورزند قطعاً هر آنچه انجام می‌دادند از حساب اعمالشان پاک می‌گردد».

همچنین در جایی دیگر خداوند حکیم حالت مشرکین را چنین توصیف می‌کند: «ما کان للمشرکین أن یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالكفر اولئک حبطت اعمالهم و فی النار هم خالدون». {سوره توبه، آیه ۱۷}

«در شأن و منزلت مشرکان نیست که بخوانند مساجد الله را تعمیر و آباد سازند، حال آنکه به کفر خویش (با رفتار و

گفتارشان) گواهی می دهند. آنان یقیناً اعمالشان از بین رفته، و نابود شده و در آتش دوزخ می باشند، در حالیکه در آن جاویدان خواهند بود».

هر کس که در حالت شرک بمیرد هرگز گناهانش بخشوده نخواهد شد و برای همیشه بهشت بر وی حرام می گردد، زیرا خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره نساء چنین می فرماید:

« ان الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء »

«خداوند (هرگز) نمی بخشد از اینکه به او شرک ورزیده شود و غیر از آن (شرک) گناهان دیگر را برای هر کس که بخواهد، می بخشد».

در آیه ای دیگر عاقبت مشرکان را چنین بیان میدارد:

« إنه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة ومأواه النار وما

للظالمين من أنصار »

{ سورة مائدة ، آیه ۷۲ }

«به تحقیق هر کس که با خداوند یکتا (کسی را) شریک بگیرد (شرک آورد) قطعاً و یقیناً خداوند بر او بهشت را حرام می گرداند و تنها پناهگاه و جایگاهش آتش سوزان دوزخ است و (این را بدانید) که هیچ یاری دهنده ای (در آن حالت) برای ستمکاران (مشرکان) وجود نخواهد داشت».

از انواع شرک اکبر می‌توان موارد زیر را نام برد:
 در دعاها، مردگان و بتها را خواندن، و از آنان کمک و مدد
 خواستن، و همچنین برای آنان نذر و قربانی کردن، و امثال
 این عبادت‌ها که ویژه خداوند یکتا است.
 شرک اصغر: شامل مواردی می‌شود که در قرآن کریم و سنت
 صحیح پیامبر اکرم ﷺ با نص صریح از آنها به شرک یاد شده
 است ولی از جنس و نوع شرک اکبر نمی‌باشد مانند: ریاء در
 بعضی از اعمال و گفتار، سوگند خوردن به غیر نام خدا، یا
 آنکه گفته شود: ما شاء الله و شاء فلان (آنچه خدا بخواهد و
 فلانی بخواهد). و امثال این موارد. زیرا رسول خدا ﷺ
 می‌فرماید:

«أخوف ما أخاف عليكم الشرك الأصغر» یعنی: «بیشترین
 ترس من درباره‌ی شما شرک اصغر است». از ایشان ﷺ
 درباره آن پرسیده شد، پاسخ دادند: «الرياء» (عملی یا سخنی
 یا حالتی را به مردم نشان دادن).

این حدیث را امام احمد، طبرانی و بیهقی با إسناد حسن
 از محمود بن لبید انصاری ﷺ روایت کرده‌اند. همچنین آن را
 امام طبرانی با إسناد حسن از محمود بن لبید، از رافع بن
 خدیج و سپس از رسول خدا ﷺ روایت کرده است.

همچنین رسول خدا ﷺ در ارتباط با سوگند خوردن به غیر نام خدا فرموده است: «من حلف بشيء دون الله فقد أشرك» یعنی: «هر کس به چیزی غیر از نام خدا سوگند بخورد یقیناً شرک آورده است» و ایشان ﷺ درجایی دیگر می فرمایند: «من حلف بغير الله فقد كفر أو أشرك».

یعنی: «هر کس به غیر از نام خدا به چیزی دیگر سوگند بخورد قطعاً کافر شده یا آنکه شرک ورزیده است».

این حدیث را امام احمد با إسناد صحیح از عمر بن الخطاب ﷺ روایت کرده است و امام ابوداود و ترمذی آن را با إسناد صحیح از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - و سپس از رسول خدا ﷺ روایت کرده اند.

رسول خدا ﷺ در ارتباط با خواست و اراده خدا و انسانها چنین فرموده است: «لا تقولوا ما شاء الله و شاء فلان، ولكن قولوا: ما شاء الله ثم شاء فلان».

این حدیث را امام ابوداود با إسناد صحیح از حذیفه بن یمان - رضی الله عنه - روایت کرده است.

«نگویید: آنچه خدا خواست و آنچه فلانی خواست، بلکه بگویید: آنچه خدا خواست سپس فلانی خواست».

این نوع از شرک، کفر نبوده و سبب جاودانگی انسان در دوزخ نمی گردد، بلکه هر آنچه مانع کمال برای رسیدن به توحید حقیقی و کامل گردد ترک آن واجب می باشد.

شرک مخفی و پنهانی: دلیل ما در اینجا سخن رسول الله ﷺ است: «أَلَا أَخْبَرُكُمْ بِمَا هُوَ أَخْوَفُ عَلَيْكُمْ عِنْدِي مِنَ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ؟! قَالُوا: بَلِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الشِّرْكُ الْخَفِيُّ، يَقُومُ الرَّجُلُ فَيُصَلِّي فَيُزِينُ صَلَاتَهُ، لَمَّا يَرِي مِنْ نَظَرِ الرَّجُلِ إِلَيْهِ».

«آیا دوست دارید شما را از آنچه که نزد من خطرش برای شما از مسیح دجال (دروغگوی بزرگی که خود را مسیح می نامد و در آخر زمان برای آزمایش مسلمانان می آید و هر کس که به او ایمان نیاورد با ابتلاءات سختی مواجه می شود) بیشتر است آگاه سازم؟! اصحاب گفتند: بله، ای رسول خدا، ایشان ﷺ فرمود: شرک پنهانی و مخفی، مانند مردی که قیام می کند و نماز می خواند و نمازش را آنچنان زیبا خوانده و آرایش می دهد (با خشوع و طمأنینه و ...) که مردمان به او نگاه کرده و سبب جلب توجه او می شود.

شاید بتوان شرک را به دو دسته تقسیم کرد، شرک اکبر و شرک اصغر. زیرا شرک مخفی و پنهانی می تواند در هر دو نوع شرک اکبر و شرک اصغر داخل شود. همانگونه که مثلاً

بیماری نفاق در زمره شرک اکبر داخل می شود، چون شخص منافق عقیده باطلش را ریاکارانه پنهان کرده و سعی می نماید به سبب ترس از جانش یا توطئه ای، تظاهر به مسلمان بودن کند.

و به همین صورت دیدید که در حدیث محمود بن لیلید انصاری و حدیث ابوسعید خدری، ریاء به عنوان شرک اصغر آمده بود. و الله ولی توفیق .

درس پنجم :

(رکن) احسان و نیکوکاری:

احسان، عبارت از آن است که چنان عبادت و بندگی را انجام دهی که گویا خداوند متعال را می بینی، و حداقل اگر نتوانستی این حالت را در خویش پدید آوری، یقین داشته باشی که او تو را می بیند، و زیر نظر دارد. (بنابراین مواظب حرکات و سکنت خویش باش).

درس ششم:

شرایط نه گانه نماز:

۱ - مسلمان بودن.

- ۲ - داشتن عقل.
- ۳ - تشخیص و تمییز بین خوب و بد.
- ۴ - داشتن وضو.
- ۵ - پاک کردن و برطرف کردن نجاست و پلیدی.
- ۶ - پوشانیدن عورت با لباس پاک.
- ۷ - داخل شدن وقت (زمان) نماز.
- ۸ - ایستادن رو به قبله (روی آوردن به قبله).
- ۹ - داشتن نیت و قصد برای نماز.

درس هفتم :

ارکان چهارده گانه نماز:

- ۱ - ایستادن برای نماز خواندن (قیام) به شرط قدرت و توانایی بر آن.
- ۲ - گفتن تکبیر (تکبیره الإحرام) هنگام شروع نماز.
- ۳ - خواندن سوره فاتحه.
- ۴ - رکوع (خم شدن در نماز بگونه ای که زانوها گرفته شود).
- ۵ - اعتدال و طمأنینه بعد از رکوع (هنگامی که سر از رکوع برداشته می شود لازم است کاملاً آرامش حاصل کرد و سپس به سجده رفت).
- ۶ - سجده بر اعضای هفتگانه.

- ۷ - اعتدال و طمأنینه. (آرامش در سجده بدون عجله).
- ۸ - نشستن در میان دو سجده.
- ۹ - طمأنینه و آرام بودن در تمامی این ارکان نماز.
- ۱۰ - رعایت ترتیب ارکان نماز.
- ۱۱ - خواندن «التحیات» در آخر نماز.
- ۱۲ - نشستن برای خواندن «تحیات آخر».
- ۱۳ - درود (صلوات) فرستادن به رسول خدا ﷺ.
- ۱۴ - سلام دادن به سمت راست و چپ.

درس هشتم:

واجبات نماز:

- ۱ - گفتن تمامی تکبیرات نماز غیر از «تکبیره الإحرام».
- ۲ - گفتن، سمع الله لمن حمده. (برای امام و منفرد).
- ۳ - گفتن، ربنا لك الحمد. (برای امام و منفرد).
- ۴ - گفتن، سبحان ربی العظیم. (در رکوع).
- ۵ - گفتن، سبحان ربی الأعلى، (در سجده).
- ۶ - گفتن، رب اغفر لی. (در میان دو سجده).
- ۷ - خواندن تحیات اول.
- ۸ - نشستن برای تحیات اول.

درس نهم :

آموزش التحیات :

«التحيات لله والصوات والطيبات، السلام عليك ايها النبي ورحمه الله وبركاته، السلام علينا وعلي عباد الله الصالحين، أشهد أن لا اله الا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله».

«تمامی ستایش ها، درودها، نمازها و تمامی پاکی ها از آن خداوند یکتاست، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پیامبر! سلام بر ما و بر تمامی بندگان صالح و نیکوکار خدا. شهادت و گواهی می دهیم که هیچ معبود بر حقّی جز الله وجود ندارد، و شهادت و گواهی می دهیم که محمد بنده و فرستاده خداست».

اگر نماز دو رکعتی بود (مانند: نماز صبح، جمعه، عیدین) نمازگزار بعد از خواندن «التحيات» به نشستن ادامه می دهد و نمازش را با خواندن این درود و دعا، کامل کرده و تمام می کند.

«اللهم صل علي محمد و علي آل محمد، كما صليت علي ابراهيم و علي آل ابراهيم، انك حميد مجيد، و بارك علي محمد و علي آل محمد، كما باركت علي ابراهيم و علي آل ابراهيم، انك حميد مجيد».

«خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرست، همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم، درود و رحمت فرستاده ای، همانا تو بسیار مورد ستایش هستی و بزرگواری، بر محمد و آل محمد برکت و خیر نازل فرما، همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت و خیر نازل فرموده ای، همانا تو بسیار مورد ستایش هستی و بزرگواری».

نمازگزار بهتر است از چهار چیز به خداوند پناه ببرد.

«اللهم اني اعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنه المحيا والممات، ومن فتنه المسيح الدجال».

«خداوندا! از عذاب سوزان و گدازنده دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه ها، آزمایشهای زندگان و مردگان (زندگی و برزخ) و از فتنه و آزمایش مسیح دروغین (دجال) به تو پناه می برم».

نمازگزار بعد از خواندن درود و دعای فوق، هر چه از خیر دنیا و آخرت بخواهد می تواند دعا کرده و از خداوند طلب کند، و فرقی ندارد که در نمازهای فرض یا سنت یا نافله باشد. آنگاه صورتش را به سمت راست گردانیده و سلام می دهد:

«السلام علیکم ورحمة الله» و سپس صورتش را به سمت چپ گردانیده و همین سلام را تکرار می کند.

درس دهم :

سنتهای نماز :

- ۱ - دعای شروع نماز (استفتاح).
- ۲ - قرار دادن کف دست راست بر پشت دست چپ بر روی سینه هنگام ایستادن (قیام) در نماز حتی هنگامی که نمازگزار از رکوع سر بلند کرده و می ایستد.
- ۳ - بلند کردن دستها در حالیکه انگشتان به هم چسبیده و دستها باز است تا مقابل کتفها (دوشها) یا مقابل گوشها، در هنگام گفتن تکبیره الإحرام، و هنگام رفتن به رکوع، و از رکوع برخاستن، و هنگام بلند شدن از تشهد اول (التحیات) برای رکعت سوم.
- ۴ - بیش از یک بار گفتن «سبحان ربی العظیم» در رکوع و «سبحان ربی الأعلی» در سجده.
- ۵ - دعای بلند شدن از رکوع: «ربنا ملک الحمد ...»، و همچنین دعای بین دو سجده: «رب اغفر لی وارحمنی واجبرنی ...» تا آخر.
- ۶ - در هنگام رکوع، سر را با پشت در یک راستا قرار دادن.
- ۷ - در هنگام سجده، بین دستها و پهلوها، شکم و رانها، و رانها و ساقها فاصله ایجاد کردن.

۸ - بلند کردن دستها تا آرنج از زمین به هنگام سجده. (بلند داشتن ذراع از زمین = فاصله نوک انگشتان تا آرنج را ذراع گویند).

۹ - در هنگام تشهد اول، و بین دو سجده بر روی پای چپ نشستن، در حالیکه پای راست بر روی زمین بصورت عمودی نصب شده است.

۱۰ - در هنگام تشهد آخر بصورت متورک نشستن بدینصورت که پای چپ از زیر پای راست بیرون بیاید و شخص بر روی نشیمنگاه خویش قرار می گیرد (مقعدهش روی زمین قرار می گیرد) و پای راست را همانند تشهد اول بر روی زمین عمودی نصب می کند.

۱۱ - از ابتدای تشهد (اول و اخیر) تا آخر آن با انگشت شهادت اشاره کرده و در هنگام دعا کردن آن را به حرکت در آورد.

۱۲ - درود و صلوات ابراهیمی در تشهد.

۱۳ - دعا کردن در تشهد آخر.

۱۴ - در نمازهای صبح، دو رکعت اول مغرب و عشاء، نماز جمعه و عیدین قرائت سوره ها را با صدای بلند.

۱۵ - در نمازهای ظهر، عصر، عشاء رکعت های سوم و چهارم و در رکعت سوم نماز مغرب، قرائت آهسته و سری سوره ها.

۱۶ - هر آنچه از آیات قرآن بعد از سوره حمد خوانده می شود ضمن مراعات سنت های دیگر نماز مانند: گفتن «ربنا لک الحمد» بعد از رکوع برای امام، و مقتدی و منفرد، و همچنین قرار دادن دستها بر زانو در حالت رکوع در حالی که بین انگشتان باز است.

درس یازدهم :

مبطلات هشتگانه نماز:

۱ - در حالت هوشیاری و آگاهی از روی عمد در نماز سخن گفتن. اما چنانچه از روی فراموشی یعنی اینکه نادانی یا آنکه نمی دانست سخن گفتن در نماز جایز نیست، نمازش باطل نمی شود.

۲ - خندیدن هنگام نماز.

۳ - خوردن چیزی هنگام نماز.

۴ - نوشیدن. (هر چه باشد).

- ۵ - کشف عورت نمازگزار. (به شرط آنکه از روی عمد باشد).
- ۶ - بیش از اندازه از سمت و جهت قبله منحرف شدن.
- ۷ - بازی و حرکت بیهوده و پی در پی در نماز.
- ۸ - شکستن و باطل شدن وضو.

درس دوازدهم :

شرایط دهگانه وضو:

- ۱ - مسلمان بودن شخص وضو گیرنده.
- ۲ - عاقل بودن. (بر دیوانگان لازم نخواهد بود وضو بگیرند).
- ۳ - بالغ بودن شخص وضو گیرنده.
- ۴ - نیت کردن برای وضو (مستحب است که نیت کند تا زمانی که طهارت پایان نیافته و کامل نشده، آن را ادامه دهد).
- ۵ - پایان یافتن و تمام شدن آنچه خود موجب وضو می شود. (وضو گرفتن را واجب می کند).
- ۶ - استنجاء و استجمار قبل از وضو. (پاک کردن محل خروج مدفوع و ادرار را با آب یا شیء تمیز کننده ای دیگر).
- ۷ - طاهر و پاک بودن آب وضو.
- ۸ - مباح بودن آب وضو.

- ۹ - برطرف کردن آنچه بر روی پوست که مانع رسیدن آب به آن می شود.
- ۱۰ - داخل شدن وقت نماز برای کسیکه دائماً بی وضو است. (به خاطر بیماری که به سبب آن نمی تواند وضوی خویش را حفظ کند).

درس سیزدهم :

فرائض ششگانه وضو:

- ۱ - شستن تمامی صورت که شامل مضمضه (آب در دهان کردن) و استنشاق (آب در بینی کردن) هم می شود.
 - ۲ - شستن دستها تا آرنج.
 - ۳ - مسح کردن تمامی سر و بدنبال آن مسح گوشها.
 - ۴ - شستن پاها تا شتالنگها (قوزکها).
 - ۵ - رعایت ترتیب در وضو.
 - ۶ - پی در پی وضو گرفتن (موالات).
- مستحب است که :
- ۱ - دستها، پاها و صورت هر کدام سه بار شسته شود.
 - ۲ - سه بار آب در دهان و بینی کردن و شستن آنها، اما یک بار شستن دهان و بینی واجب است.

۳ - سنت در مسح سر فقط یک بار است و در احادیث صحیح آمده به عدم تکرار در مسح سر.

درس چهاردهم :

موارد ششگانه باطل کننده وضو:

- ۱ - هر چیزی که از مجاری ادراری یا دفعی خارج شود.
- ۲ - هر چیز نجسی که بمقدار زیاد از بدن خارج شود.
- ۳ - زوال عقل با خوابیدن یا به غیر از آن (مانند: دیوانگی، از هوش رفتن و غیره).
- ۴ - تماس مستقیم دست با شرمگاه (آلت تناسلی) بدون آنکه چیزی بین آن دو حائل شده باشد.
- ۵ - خوردن و تناول گوشت شتر.
- ۶ - خارج شدن از دین اسلام. (خداوند ما و تمامی مسلمانان را از این مصیبت در پناه خویش حفاظت بفرماید) مرتد شدن، یعنی از دین برگشتن.

یادآوری بسیار مهم:

بر اساس صحیح ترین نظر علماء، شخصی که مرده ای را می‌شوید وضویش باطل نمی‌شود و اکثریت علماء و

دانشمندان علوم اسلامی این نظریه را تأیید می‌کنند زیرا دلیلی بر ردّ این نظریه وجود ندارد.

ولی اگر دستش به آلت تناسلی مرده در حال شستن خورد واجب است که وضو بگیرد.

واجب است که شرمگاه (آلت تناسلی) مرده ای که غسل داده می‌شود مستقیماً با دست لمس نشود بلکه باید با دستکش یا پارچه ای و یا چیزی دیگر لمس شود.

این را باید دانست که دست زدن به زن یا لمس کردنش وضو را نشکسته و باطل نمی‌کند، حال تفاوتی ندارد که از روی شهوت باشد یا نه. مطابق با صحیح ترین نظریه دانشمندان اسلامی تا زمانی که از آلت مرد چیزی (مانند منی یا مزی) خارج نشود وضو باطل نمی‌گردد، زیرا روایت صحیح است که رسول خدا ﷺ همسران خویش (امهات المؤمنین) را می‌بوسید و بدون آنکه مجدداً وضو بگیرد با همان وضو، نماز می‌خواند.

تفسیر آیه «أَوْ لَا مَسْتَمِ الْمَاءِ».

مطابق با صحیح ترین نظریه علماء و دانشمندان اسلامی، منظور از «لمس» در اینجا جماع و همبستری زناشویی است

و این نظریه را ابن عباس - رضی الله عنها - و تعدادی از علماء سلف و پیشین و برخی از علمای متأخر تأیید می کنند.
و الله ولی التوفیق.

درس پانزدهم :

گوشه ای از ویژگی های مسلمان و اخلاق وی در شرع
مطهر اسلام:

- ۱ - صداقت در گفتار و کردار. (راستگو بودن).
 - ۲ - امانت دار و امین مردم بودن.
 - ۳ - داشتن عفت و پاکدامنی.
 - ۴ - داشتن شرم و آزر. (حیاء).
 - ۵ - شجاع و بی باک بودن.
 - ۶ - وفا نمودن به عهد و پیمان.
 - ۷ - بخشنده بودن و گذشت داشتن.
 - ۸ - پاک بودن و پرهیز داشتن از حرامهای الهی.
 - ۹ - محبت و نیکی کردن به همسایگان.
 - ۱۰ - کمک کردن و یاری به مستمندان و تهی دستان در حد توان.
- همچنین سایر صفات اخلاقی و اجتماعی که در قرآن و سنت آمده است.

درس شانزدهم :

آداب اسلامی:

- ۱ - سلام کردن به دیگران.
- ۲ - خوش رویی و داشتن چهره باز با مردم (مسلمانان).
- ۳ - با دست راست غذا خوردن و نوشیدن.
- ۴ - گفتن «بسم الله» در ابتدای خوردن و آشامیدن (نوشیدن)، و حمد و سپاس پروردگار را گفتن بعد از پایان (إتمام) آن.
- ۵ - عطسه کننده بگوید: الحمد لله، و در جواب به وی گفته شود: یرحمک الله، و سرانجام عطسه کننده در جواب او بگوید: یرحمکم الله ویصلح بالکم.
- ۶ - آداب داخل و خارج شدن از مسجد.
- ۷ - آداب ورود و خروج از منزل.
- ۸ - آداب رفتن به مسافرت. (سفر کردن).
- ۹ - آداب رفتار با پدر و مادر و نیکی به آنان.
- ۱۰ - نیکی به خویشاوندان و همسایگان.
- ۱۱ - آداب برخورد و رفتار با سالمندان.
- ۱۲ - شفقت و مهربانی با کودکان.
- ۱۳ - تبریک گفتن به کسی که خداوند به وی فرزندی جدید می دهد.

- ۱۴ - تبریک گفتن به عروس و داماد هنگام ازدواج.
 ۱۵ - گفتن تسلیت به کسی که از نزدیکان یا دوستانش کسی مرده باشد.
 ۱۶ - آداب لباس پوشیدن و پوشاک.
 ۱۷ - آداب کفش پاکردن و در آوردن آن.

درس هفدهم :

پرهیز از شرک و گناهان:

- موارد هفت گانه گناهان کبیره که رسول خدا ﷺ آنها را سبب نابودی و هلاکت انسان نامیده است:
- ۱ - شرک آوردن به خدا. (کسی را با خدا شریک گرفتن).
 - ۲ - جادوگری و ساحری.
 - ۳ - کشتن انسان (زیرا خداوند آن را حرام کرده است) مگر به حق.
 - ۴ - ربا دادن و گرفتن (نزول خواری).
 - ۵ - خوردن و پایمال کردن اموال یتیمان.
 - ۶ - فرار از میدان جنگ.
 - ۷ - تهمت زدن (نسبت دروغ) به زنان مؤمن و پاکدامن.

مواردی دیگر از گناهان کبیره:

- ۱ - نافرمانی از پدر و مادر و آزار آنان.
- ۲ - قطع صله رحم (بر هم زدن صمیمیت و بی‌ارتباطی در میان خویشاوندان).
- ۳ - شهادت و گواهی دروغ (جعلی).
- ۴ - سوگند به دروغ خوردن.
- ۵ - آزار رساندن به همسایگان.
- ۶ - ستم کردن در خون، جان، مال، و ناموس مردم.
- ۷ - میگساری و شرابخواری. (نوشیدن مشروبات الکلی و مست کننده).
- ۸ - قمار بازی (به آن میسر هم گفته می‌شود).
- ۹ - غیبت کردن از یکدیگر.
- ۱۰ - سخن چینی و نمّامی.

درس هیجدهم:

احکام جنازه و چگونگی نماز بر آن:

- ۱ - این امر جایز است که به شخص در حال سكرات (لحظات احتضار، دم مرگ) جمله «لا اله الا الله» را تلقین کرد، آن را بگوید؛ زیرا رسول خدا ﷺ فرموده است: «لَقِنُوا مَوْتَكُمْ

لا اله الا الله». این حدیث را امام بخاری و امام مسلم هر دو روایت کرده اند.

به مردگانتان (لحظات آخر زندگی، دم مرگ) جمله «لا اله الا الله» را تلقین کنید. (تا آن را تکرار کنند).

۲ - زمانی که یقین کردید که شخص مرده است، چشمهایش را بر روی هم بگذارید (چشمهایش را ببندید) زیرا این عمل در سنت هدایت بخش پیامبر ﷺ آمده است.

۳ - واجب است جنازه مسلمان غسل داده شود مگر آنکه در میدان جنگ به شهادت رسیده باشد، زیرا شهید میدان نبرد، نه غسل داده می شود، و نه نمازی بر او خوانده می شود، و نه اینکه در کفن قرار داده می شود، و فقط با همان لباسش دفن می شود؛ زیرا رسول خدا ﷺ شهدا و کشته شدگان غزوه (جنگهای رسول خدا ﷺ با دشمنان دین) احد را نشسته، و بر آنان نماز هم نخواندند.

۴ - نحوه غسل دادن جنازه (میت).

عورت (شرمگاهش) را پوشانده، و او را از زمین کمی بلند کرده و اندکی به شکمش فشار داده شود. بعد از آن کسی که غسل می دهد دستمال یا پارچه ای را دور دستش می پیچد و نجاست ها را پاک می کند. سپس همانند وضو برای نماز، او را

وضو می دهند، بعد سر و ریشش را با آب و سدر یا با ماده شوینده دیگری (صابون، شامپو، ...) می شویند، ابتدا سمت راست بدنش، و سپس سمت (طرف) چپ بدنش را می شویند. در بار دوم و سوم او را غسل می دهند. در هر بار (غسل دهنده) دستش را به آرامی بر روی شکم میت می کشد تا اگر نجاستی بیرون بیاید، آن را پاک کند و بعد محل خروج نجاست را با پنبه یا چیزی شبیه آن ببندد و اگر با این چیزها نشد، با گل، یا چسب و امثال آن محل را ببندد، بار دیگر وضوی میت را تجدید کند. چنانچه میت با سه بار شستن پاک نشد، پنج یا هفت بار می تواند او را بشوید، و در پایان او را خشک کرده و در زیر بغل و محل های پنهان و مواضع سجده مرده عطر قرار دهد. چنان که بهتراست تمام بدن میت معطر گردد.

کفن میت با بخور و ماده ای خوشبو معطر گردد، و چنانچه سیبل یا ناخنهایش بلند بود، کوتاه گردد، اما چنانچه این کار انجام نشد گناهی صورت نگرفته است. موهایش شانه نمی شود، و موهای شرمگاه کوتاه نمی گردد، و اگر ختنه نشده بود، ختنه نمی گردد، زیرا بر این اعمال دلیلی وجود ندارد.

موی سرمیت اگر زن باشد به سه دسته تقسیم شده و پشت سر انداخته می‌شود.

۵ - احکام کفن میت.

بهتر است مرد با در سه پارچه سفید کفن کنند، در این سه تکه عمامه و پیراهن وجود ندارد، این همان روشی است که رسول ﷺ کفن گردید. میت در کفن پیچیده می‌شود اگر چنانچه میت در ازار و ملفقه (چادر شب) پیچیده شود مانعی نخواهد داشت.

زنان در پنج پارچه کفن می‌شوند. پسر بچه در یک تا سه پارچه کفن می‌شود. دختر بچه در یک پارچه و دو ملافه کفن می‌شود.

اما در واقع برای تمامی مردگان (از مرد، زن، بچه) واجب آن است که در یک پارچه پیچیده و کفن شوند بگونه ای که تمام بدن پوشیده شود. چنانچه میت در حالت احرام (در حج یا عمره) باشد او را با آب و سدر شسته، یا در همان لباس احرام، یا پارچه ی دیگر کفن می‌کنند، اما سر و صورتش را نمی‌پوشانند، و عطر هم به وی نمی‌زنند، زیرا وی در روز قیامت تلبيه گویان (لبيك اللهم لبيك ...) مبعوث و محشور

خواهد شد. این عمل از احادیث رسول خدا ﷺ ثابت شده است.

اما چنانچه محرم (شخص در حالت احرام) زن باشد مانند زنان دیگر وی را کفن می‌کنند، و به او عطر نمی‌زنند، و صورتش را با روبند، و دستهایش را با دستکش نمی‌پوشانند، اما صورتش را با پارچه کفن می‌پوشانند. (قبلاً نحوه کفن کردن زنان بیان شد).

۶ - سزاوارترین و شایسته‌ترین شخص به غسل دادن میت و نماز خواندن بر او کسی است که میت درباره وی وصیت کرده باشد، بعد از او، پدر، پدربزرگ، و بعد اقوام و خویشاوندان مرد نزدیک به او، سزاوارتر هستند.

در مورد زنان هم، شایسته‌ترین فرد به غسل دادن کسی است که زن او را وصیت کرده است، بعد از او، مادر، مادر بزرگ، و بعد اقوام و خویشاوندان زن نزدیک به او، سزاوارتر هستند.

جایز است که زن و شوهر هر یک اگر مُرد دیگری وی را بشوید، زیرا هنگامی که ابوبکر صدیق رضی الله عنه وفات یافت همسرش او را شست.

همچنین نقل شده است علی ابن ابی طالب علیه السلام همسرش فاطمه الزهراء - رضی الله عنها - را شست.
۷ - چگونگی نماز جنازه:

با تکبیر اول، سوره فاتحه خوانده می شود، اگر به همراه آن سوره کوتاهی با یک یا دو آیه از قرآن خوانده شود بهتر است. این نحوه قرائت در حدیثی از ابن عباس - رضی الله عنهما - آمده است.

با تکبیر دوم، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود و صلوات فرستاده می شود مشابه همان درودی که در نماز خوانده می شود.
با تکبیر سوم، این دعا خوانده می شود.

«اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا، وصغيرنا وكبيرنا، وذكرنا وأنثانا، اللهم من أحييته منا، فأحيه علي الإسلام، ومن توفيته منا فتوفه علي الإيمان، اللهم اغفر له، وارحمه وعافه، واعف عنه، وأكرم نزله، ووسع مدخله، واغسله بالماء والثلج والبرد، ونقه من الخطايا كما ينقى الثوب الأبيض من الدنس، وأبدله داراً خيراً من داره، وأهلاً خيراً من أهله، وأدخله الجنة وأعذه من عذاب القبر، وعذاب النار، وافسح له في قبره، ونور له فيه، اللهم لا تحرمنّا أجره ولا تضلنا بعده...».

{این حدیث را مسلم، ترمذی و نسایی وابن ماجه روایت کرده اند}.

«خداوندا!، زندگان ما را، و مردگانمان را، و حاضران، و غایبانمان را، و کودکانمان (کوچک های مان و بزرگانمان)، و مردان و زنان ما را، پیامرز و ببخشای، خداوندا! هر کس از ما را که زنده می گردانی بر آیین اسلام زنده گردان، و هر کس را که از ما می میرانی بر ایمان بمیران، خداوندا! بر (این میت) رحم کن، و او را ببخشای، و عافیت را نصیبش کن، و از وی در گذر و معافش کن، جایگاهش را گرامی دار، و قبرش را گسترده بگردان، او را با آب، برف و تگرگ (یخ) غسل بده و از اشتباهات پاکش گردان، همانگونه که پارچه ای سفید از چرک و آلودگی پاک می شود، به او منزلی بهتر از خانه دنیایش بده، و خانواده ای بهتر از خانواده اش عطا کن، او را وارد بهشت کن، و او را از عذاب قبر و عذاب جهنم در پناه خویش نگه دار.

خداوندا! ما را از پاداش او محروم مگردان، و (همچنین) ما را بعد از او گمراه و منحرف مکن». مستحب است هنگام هر تکبیر دستها بلند گردد.

چنانچه مرده (میت) زن بود دعا را در عربی به صیغه مونث می خوانیم، اگر تعداد مرده ها (میتها) چند نفر بودند، دعای عربی را به صیغه جمع می خوانیم.

چنانچه مرده (میت) کودک یا نوزاد بود، دعای مغفرت خوانده نمی شود و به جای آن، دعای زیر خوانده می شود.
 «اللهم اجعله فرطاً لوالديه، وذخراً شفیعاً مجاباً، اللهم ثقل به موازينهما، وأعظم به أجورهما، اللهم اجعله في كفالة ابراهيم عليه السلام، وألحقه بصالح سلف المؤمنين وقه برحمتك من عذاب الجحيم». {المغنی لابن قدامة ۴/۱۶۶}.

«خداوندا! او را پاداش، گنجینه، شفاعت کننده، و پاسخ دهنده ای برای پدر و مادرش قرار بده. خداوندا! توسط این کودک ترازوی اعمالشان را سنگین بگردان، و بدین خاطر پاداش شان را زیاد کن. خداوندا! این کودک را در کفالت و حضانت ابراهیم عليه السلام قرار بده، و وی را به مؤمنان صالح پیشین (سلف صالح) ملحق بگردان. و با رحمت خودت او را از عذاب دوزخ حفظ بگردان».

سنت آن است که امام در مقابل سر جنازه اگر مرد باشد بایستد، و اگر زن بود در مقابل وسط پیکر جنازه بایستد. و اگر چند جنازه از مرد و زن باشد. جنازه مرد را مقابل امام

قرار می‌دهند، و جنازه زن را در جهت قبله و پشت جنازه مرد قرار می‌دهند، یعنی بعد از جنازه مرد گذاشته می‌شود، و اگر جنازه کودک بود، پشت جنازه پسر بچه بعد از جنازه مرد، سپس جنازه زن قرار داده می‌شود، و بعد از آن جنازه دختر بچه در جهت قبله بعد جنازه زن، پشت سر هم گذاشته می‌شود.

جنازه‌ها بدین‌صورت قرار داده می‌شوند که سر هر جنازه مقابل جنازه قبلی قرار می‌گیرد. سر پسر بچه مقابل سر مرد، و میانه سر زن مقابل سر مرد، و سر دختر بچه مقابل سر زن قرار می‌گیرد.

نمازگزاران همگی پشت سر امام می‌ایستند و چنانچه یک نفر از نمازگزاران جایی در پشت سر امام نیافت، می‌تواند در دست راست امام بایستد.

هشتم: چگونگی دفن میت (در گور قرار دادن مرده):

بهتر آن است که قبر (گور) عمیق باشد. بدین‌گونه که عمق آن حدود نصف قامت یک مرد متوسط القامه باشد. و دیگر اینکه در درون گور (قبر) لحد ایجاد کنند. و جهت آن هم به سمت قبله باشد.

مرده را بر روی دست راست (پهلوی راست) داخل لحد می‌گذارند، و سپس گره کفن را باز کرده، و بدون آنکه سر جنازه برهنه و آشکار گردد. تفاوتی ندارد که مرده، مرد یا زن باشد. بعد از آن بر آنجا خشت، یا گل می‌گذارند تا مطمئن شوند خاک داخل آن نمی‌ریزد. اگر توانستند خشت بگذارند وگرنه هر چیز دیگر مانند لوح یا سنگ یا تخته که مانع داخل شدن خاک به داخل آن شود. حالا خاک را می‌ریزند و گور را پر می‌کنند. مستحب است در این زمان گفته شود: «بسم الله و علي ملة رسول الله» یعنی: «به نام خدا و بر امت رسول خدا این مرده را می‌گذاریم».

ارتفاع سطح قبر از زمین به اندازه یک وجب می‌باشد، و چنانچه امکان داشت روی آن مقداری سنگریزه ریخته و آب می‌پاشند.

بر کسانی که جنازه را تشییع کرده اند سنت است که بر سر قبر ایستاده و برای میت دعای خیر بنمایند. روایت شده که رسول خدا ﷺ بعد از دفن میت بر سر قبر او ایستاده و چنین می‌فرمودند:

«استغفروا لأخیکم و سلوا له التثبیت فإنه الآن یسأل».

{به روایت ابوداود، حاکم، بیهقی و دیگران}.

«برای برادران طلب آمرزش نمایید، و برای او پایداری و ثبات در سخن حق بطلبید، زیرا از او الآن سؤال می‌شود. (یعنی در حال حاضر دو فرشته الهی (منکر و نکیر) از وی امتحان می‌گیرند)».

نهم: نماز جنازه بعد از دفن میت:

چنانچه کسی قبل از دفن میت نتوانست بر وی نماز جنازه بخواند، برای او جایز است که بعد از دفن هم بر میت نماز جنازه بخواند، و این مدت حدوداً تا یک ماه می‌تواند باشد، زیرا رسول خدا ﷺ این عمل را انجام داده‌اند، و بیشتر از یک ماه دیگر جایز نمی‌باشد بدین علت که در حدیث یا اثری نیامده است که رسول خدا ﷺ بعد از یک ماه از دفن میت بر وی نماز جنازه خوانده باشد.

دهم: نوحه خوانی و غذا دادن برای میت:

جایز نیست صاحب عزا (عزاداران و سوگواران) برای مردم و کسانی که برای تسلیت به نزد آنان می‌آیند غذا و خوراک تهیه و آماده کنند. زیرا صحابی بزرگوار جریر بن عبدالله بجلي گفته است: «ما در زمان حیات رسول خدا ﷺ جمع شدن برای عزاداری و آماده کردن غذا بعد و دفن میت از انواع نیاحت و سوگواری را ناروا می‌دانستیم.

اما برای صاحبان عزا منعی وجود ندارد که برای خودشان و میهمانهایشان غذا تهیه کنند، البته بهتر آن است که خویشاوندان و همسایگان برای صاحبان عزا غذا پخته یا تهیه کنند. زیرا زمانی که خبر شهادت جعفر بن ابی طالب علیه السلام در سرزمین شام به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، ایشان به خانواده خویش دستور دادند تا برای خانواده جعفر بن ابی طالب علیه السلام غذا تهیه کنند و سپس فرمودند: (امروز) بر آنان امری (مصیبتی) گذشته است که آنان را به خودشان مشغول ساخته و نگرانیشان کرده است.

«اصنعوا لآل جعفر طعاماً فإنه قد أتاهم أمر يشغلهم».

{این حدیث را احمد، ابوداود، ترمذی، ابن ماجه و دیگران روایت کرده اند}.

همچنین مانعی وجود ندارد که صاحبان عزا از غذایی که برایشان تهیه شده همسایگان و یا دیگران را دعوت کنند. و در ارتباط با گفتن تسلیت وقت معینی در شرع وارد نشده است.

یازدهم: زمان سوگواری برای زنان:

برای زنان جایز نیست که بیش از سه روز عزاداری کنند، مگر برای شوهرانشان. زیرا در این حالت بر زن واجب است چهار ماه و ده روز سوگواری کند. اما چنانچه باردار (حامله)

بود مطابق با احادیث صحیح که گذشت باید سوگواریش را تا هنگام زایمان ادامه دهد.

ولی بر مردان جایز نیست برای خویشاوندان و نزدیکانشان و یا دیگران سوگواری کرده یا عزا بگیرند.

دوازدهم:

برای مردان جایز است که هر چندگاه به زیارت گورستانها رفته و برای مردگان دعا کرده و طلب رحمت برایشان بنمایند، زیرا این دیدار برای آنان یادآوری از آخرت و سرانجامشان می باشد. زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة». {به روایت امام مسلم}.

«... به دیدار قبرها بروید، زیرا این قبور، آخرت را به یاد شما می آورد».

رسول خدا ﷺ به اصحاب و یارانشان می گفتند: هرگاه به گورستان (قبرستان) رفتید این دعا را بخوانید:

«السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، وإنا إن شاء الله بکم لاحقون، نسأل الله لنا ولكم العافیة، یرحم الله المستقدمین منا والمستأخرین».

{به روایت مسلم، احمد و نسایی}.

«سلام بر شما ای ساکنان این سرزمین از تمامی مؤمنان و مسلمانان، و ما هم اگر خداوند بخواهد به شما خواهیم پیوست، از خداوند برای خودمان و شما عافیت و سلامتی می‌خواهیم و خداوند به تمامی کسانی که قبل از ما از دنیا رفته‌اند، و یا بعد از ما از دنیا خواهند رفت رحمت کند».

اما برای زنان جایز نیست که به زیارت قبرستانها بروند، زیرا رسول خدا ﷺ فرموده است: «لعن الله زائرات القبور».

{به روایت احمد، ابن ماجه، حاکم، بیهقی و دیگران}.

«خداوند، زنانی را که به زیارت قبرها می‌روند نفرین (لعنت) کند».

زیرا با رفتن زنان به قبرستانها بیم برخاستن فتنه بی صبری، کم حوصلگی، فریاد و شیون می‌رود. همچنین صحیح نیست که زنان در تشییع جنازه شرکت نمایند زیرا رسول خدا ﷺ آنان را از این عمل نهی کرده و بر حذر داشته است.

اما خواندن نماز جنازه در مسجد یا مصلی برای مردان و زنان جایز است.

این مطلب آخرین چیزی بود که توانستم جمع آوری کنم. و صلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.